

## عرض حال محمدحسین شیرازی کاتب السلطان

(کتابخانه کاخ گلستان، مثنوی ش ۶۸۱)

یک چند در محروسه شیراز — که شیرازه آبادش به دست حوات مگسلا — بندۀ خاکسار بر حسب شوق فطری عنان همت به تحصیل خط نستعلیق معطوف داشت و اوقات شبانه روزی را به تکمیل این فن شریف مصروف، تا قلمم از بنان سوده گشت و بنام از قلم فرسوده. پس از یک چند که مداد و لیقه ام رام دست و سلیقه شد و ناظران بر نقش قلمم تحسین کردند و مطالعان بر حسن رقم آفرین گفتند، با خود گفتم اگرچه در نظر قاصر این صور خالی از جمالی و این نقوش خالی از کمالی نیست، ولی تحدید این کم و کیف را حکیمی خیر باید و تعیین این نقد و زیف را ناقدی بصیر. پس صفحه‌ای چند از کتاب مثنوی مولوی نگاشته دل برگربت غربت نهادم و راه دارالخلافة باهره پیش گرفتم و همت بر آن گماشته که این قطره را به دریا پیوندم و این ذره را به خورشید رسانم. تا در ضمن معاشرت اصناف ناس یکی از خاصان درگاه آسمان جاه متعدد شد که اوراق مسطوره را به ملاحظه علیه رساند و به این وسیله اگر مقتضی شد این ذره را در مقابلة آفتاب عالم تاب بدارد تا روزی به پای مردی آن مقرب درگاه کیوان جاه این خاکسار را کلاه افتخار به آسمان رسیده، شرف خاکبوس حضور آفتاب ظهور دست داد و اعلیحضرت آسمان بسطت، خلاصه دودمان سلطنت کبری و نقاوه خلافت عظمی، وارث تخت جم، حامی ملک عجم، افضل من لبس الناج و اعدل من جلس علی السریر، السلطان ابن السلطان ابن السلطان و الخاقان ابن الخاقان شاهنشاه عالم پناه ولی النعم کل ممالک محروسه ایران ناصرالدین شاه قاجار، لا زال مؤید الرفع قواعد الانصاف و هدم اساس الاعتساف، این خاکسار جان نثار را بعد از تحسین و سرافرازی ملوکانه به صنوف عطیات به بیان کرامت ترجمان مخاطب فرموده، به تتمیم این کتابم مأمور فرمودند و این بندۀ بر حسب حکم محکم شاهانه و امر نافذ خسروانه وجود نابود خود را به ملازمت نگارش موقوف و اوقات شبانه روزی را به مواظبت کتابت مصروف داشت، به یمن نامه ملوکانه و حسن تربیت شاهانه در قلیل مدت به نوعی که نطاق طاقت همگنان از آن قاصر است به اتمام رسانید. امید که به مطالعه آن مدى الاعصار خاطر خطیر مبارک را انبساط وافی و نشاط کامل حاصل شود و عدد سال‌های زندگانیش از نقاط و حروف این کتاب به تضاعیف مات و لوف درگزد. این دعوت را به گاه تهلیل آمین آمین کناد جبرئیل.

و انا العبد کاتب الحضرة السلطانی محمدحسین شیرازی غفر الله ذنوبه و ستر الله عیوبه تحریراً فی شهر رمضان المبارک سنہ ۱۲۷۹.

که نامه بهارستان: از آقای حمیدرضا قلیچ خانی برای در اختیار گذاشتن تصویر این صفحه سپاسگزاریم.

برای آگاهی بیشتر از این نسخه، نک: فهرست دیوان‌های خطی کتابخانه سلطنتی، بدري آتاباي، تهران، ۱۳۵۵: ۳۲۱-۳۲۳. (شماره ردیف ۱۳۲).

قطع نسخه مطابق فهرست مذکور به ابعاد ۲۲/۴ × ۳۲/۵ سم است.



گفته د محمد شیرازی که شیرازه آنهاست خود شکلا نبند هاک بر حسب دو قلم ریحان است بحیث این طبق مطلب  
 داشت دادفات شبانه زیر چشم این در سریع صرف تغییر ازین بان موده کشتن و بنام از علم فرسوده پس از چند کرد  
 ولایت امام دست و میانه شد و ناطران بیشتر عجیب کردند و مطابع این برق این قدر کشکار پذیر نظر  
 این به نحال از جمله این شوشنی از بحالی نیست ولی تجییخ کرد این بحیثی سیه بادی و تمسیخ نیزه و زریت اندادی سیه  
 پس غمچه کشکار بشونی بدوی کاشت دل بگربت غربت نمادم دراد وار اخاذ بسرمه پیکر قلم و هفت بار بگشکر کن  
 قطره را بدرا یار یونده م داین هزار انجوشید رسانم آن درین عاشرت اضافه ناسی کی از خاصان رکه اسان چشم  
 که اوراق طوطه را بمالح طیله رسانم و باین پیکر اگر قصی شد این فرد را دستابه آشای عالم را ببلد از مرزوی  
 بپارید آن هر چه دیگر کیوان باین ناکس را که این شمار بسانم پسیده شرف ناکوس خود را بغلورست  
 داد و عیصرت آنها نجات نهاده دودان لطفت کشید این امداد خلافت علیع ارشت چشم جامی گفت عجم فضل  
 من سیس اینان و اعد من بس علی السلطان این ایستاد این اخاقان بمنجا قانی بمنجا قانی شاشن شاه  
 عالم پادشاهی اینم کل ناکات محمد سلیمان صرطیمه شاه قاجار لازم بولید اتفاق تواعد انصاف و پهم اس  
 انصاف این ناکار جانیار را بعد از تحسین پسر ازی موکا نه بصنوف علیات بپار کرد است تر جان نهایت  
 فرموده بیکم این گتم ممور فرموده داین بند بربست بکم کشم شاهنه و امر از خداوند وجود نباشد خود را بدلارت  
 کنار شن بوقف دادفات شبانه زیر اموال نسبت کنابت صروف داشت و پمنه موکانه و حسن پت شاه نهاد  
 قیلمه است ب نوعی که نهاد طاقت نیکان از این فاحص است بآنام رسانید ایس که بحال ام آن ای الاعصار خاطر پیش  
 بس اک را انسان داده داش طکامل عاصل شود و داد سالانه نمکانیش از لفاظ و عروض این تیاب تحقیقت  
 است و از هفت دکتر زاین عوت را بکا تبلیغ آمدین یعنی

کی و جرسی و آن بعد کتابت بکشته ایضاً عالی

محمد حسین شیرازی عیشر اسد ذوبه و سرس

عمر سخن رفیعه رشان بارگز